

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۹ جنوری ۲۰۱۲

## ایران در هفته ای که گذشت

### تحریم‌های جدید و ابراز تأسف به جای تهدید

با تصمیم اتحادیه اروپا به اجرای یک‌رشته تحریم‌های جدید علیه ایران، نزاع قدرت‌های اروپائی و امریکائی با جمهوری اسلامی ابعاد نوینی به خود گرفت.

روز دوشنبه ۳ بهمن ماه [دلو]، وزرای خارجه ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند، نفت، پتروشیمی، بانک مرکزی، بانک تجارت را مشمول تحریم‌های خود قرار دهند. طبق این تصمیم، بانک مرکزی به اتهام مشارکت در دور زدن تحریم‌ها و بانک تجارت به اتهام تسهیل تلاش‌های هسته‌ای و دور زدن تحریم‌ها، در لیست تحریم‌های جدید قرار گرفتند.

خرید، واردات یا انتقال نفت خام و محصولات نفتی و پتروشیمی نیز به همراه انتقال تجهیزات و فن‌آوری و مشارکت در آن‌ها ممنوع اعلام گردید. علاوه بر این هر گونه فروش، خرید و انتقال فلزات گرانبها به ایران، ارایه اسکناس و مسکوکات به بانک مرکزی ممنوع گردید. به شرکت‌هایی که هم اکنون با جمهوری اسلامی معامله دارند، فرصت داده شد که قراردادهای خود را تا اول ژوئیه، یازدهم تیر ماه، لغو کنند.

این مجموعه تحریم‌های اتحادیه اروپا که سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در جریان کشمکش و نزاع چند سال اخیر است، مستقیماً اصلی‌ترین شریان‌های تغذیه مالی رژیم را هدف قرار داده است. امریکا و اتحادیه اروپا با اعمال این تحریم‌ها قصد دارند جمهوری اسلامی را در چنان مخصصه‌ای قرار دهند که ناگزیر به پذیرش پیشنهادات آن‌ها بر سر مهم‌ترین مسایل مورد اختلاف گردد.

واکنش مقامات جمهوری اسلامی به این تحریم‌ها در عین حال که نگرانی آن‌ها را از وخامت وضعیت داخلی رژیم بازتاب می‌داد، اما دیگر، از تهدیدات پیش از این تحریم‌ها خبری در آن‌ها نبود. دلیل آن هم روشن است. این تهدیدات از آن‌رو در دستور کار تبلیغات جمهوری اسلامی قرار گرفته بود که مانع از تصویب این تحریم‌ها گردد. اکنون که این تحریم‌ها به مرحله تصمیم‌گیری و اجراء رسیده است، دیگر موضوعیت خود را از دست داده است. بنابراین رسمی‌ترین ارگان‌ها و مقامات جمهوری اسلامی به جای تهدید، تأسف خود را از اعمال تحریم‌های اتحادیه اروپا

ابراز داشتند و ترجیحند مواضع گذشته خود را مبنی بر این که تحریم تأثیری بر اوضاع نخواهد داشت و جمهوری اسلامی به سیاست پیشین خود ادامه خواهد داد، تکرار کردند.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه در واکنش به تصمیم اتحادیه اروپا گفت: "این تصمیم اقدامی غیر منطقی و ناعادلانه است." فشار و تحریم روشی شکست خورده است و تأثیری بر روند حرکت ملت ما برای دستیابی به حقوق اساسی خود ندارد. تحریم یک جنگ روانی است. کشورهای اروپائی و آنهایی که تحت فشار امریکا قرار گرفته اند، باید به فکر منافع خود باشند."

وزارت نفت جمهوری اسلامی نیز در بیانیهای که انتشار داد، تحریم را "استفاده ایزاری و غیر متعارف از نفت در معادلات سیاسی حاکم بر جهان" نامید و افزود این اقدام "بی ثباتی در امنیت عرضه و تقاضای انرژی و افزایش قیمت جهانی نفت" را در پی خواهد داشت. بیانیه وزارت نفت ابراز اطمینان می کند که جای هیچ گونه نگرانی نیست. "وزارت نفت جمهوری اسلامی به دور از تنش ها و حواشی سیاسی، تمهیدات لازم را از مدت ها قبل اندیشیده و راهکارهای لازم برای مواجهه با هر گونه رویارویی در موضوع انرژی را تدبیر کرده است."

اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز در گفت و گو با رسانه های رژیم، تحریم ها را بی اثر دانستند. رئیس این کمیسیون گفت: "جمهوری اسلامی همواره تحریم ها را به عنوان یک تهدید به فرصت تبدیل کرده است." و افزود: "تحریم ها نمی تواند تأثیری بر سیاست های ما بگذارد. غرب است که از این تحریم ها متضرر خواهد شد. آن ها می خواهند با این فشارها ما را مجبور به تغییر سیاست هایمان کنند که مطمئناً این اتفاق رخ نخواهد داد."

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی نیز اقدام اروپا را "یک اقدام کاملاً شتابزده و در فضائی غیر واقعی" توصیف کرد و افزود: "این فشارها مسایل را پیچیده تر می کند. آن ها در تلاش اند یک فضای روانی را در کشور حاکم کنند. در حالی که می دانند این تحریم ها قابل اجراء نبوده و تمام دنیا منحصر به اروپا و اتحادیه اروپا نیست." مسؤولیت پیچیده اوضاع "بر عهده کسانی است که عملاً دنیا را به سمت رادیکالیزه و تندروی پیش می برند."

آنچه که در این موضع گیری ها کاملاً محسوس است، تفاوت آشکار با موضع گیری های چند هفته گذشته است که همواره با تهدیدات متقابل، حتا نظامی همراه بود. اکنون تحریم های اتحادیه اروپا "نامعقول"، "غیر منطقی"، "شتابزده" و امثالهم توصیف می شوند که نشان دهنده موقعیت وخیم جمهوری اسلامی ست. با این وجود در تمام این موضع گیری ها هنوز این دروغ بزرگ تکرار می شود که تحریم بی تأثیر است و تحریم های جدید نیز به فرصت تبدیل خواهد شد.

تصویری که مقامات جمهوری اسلامی از تحریم ها ارائه می دهند، از این قرار است که اتحادیه اروپا خریدار ۲۰ درصد نفت ایران است که می توان آن را به کشورهای دیگر فروخت و به ادعای آقازاده، عضو کمیسیون امنیت ملی، جمهوری اسلامی "نگران عدم خرید چند لیتر نفت از سوی اتحادیه اروپا نیست." در واقعیت اما معضل جمهوری اسلامی فقط این نخواهد بود که فرضاً حجم درآمد نفتی، ۲۰ درصد کاهش یابد، بلکه با توجه به نقشی که امریکا و اروپا در بازار جهانی سرمایه و مبادلات بین المللی دارند و مناسباتی که این بازار میان دولت ها و کشورهای جهان پدید آورده است، این تصمیم اتحادیه اروپا به کاهش ۲۰ درصدی خرید نفت محدود نخواهد ماند که رژیم بتواند بخشی از آن را از طریق معاملات غیر رسمی جبران نماید، بلکه کشورهای دیگر از نمونه کوریای جنوبی و جاپان نیز که جزء عمده ترین خریداران نفت ایران هستند، به این تحریم ها می پیوندند. حتا اگر نقش سیاسی قدرت های امپریالیست اروپائی و امریکائی را در جهان سرمایه داری نادیده بگیریم، سیستم مبادلات بین المللی و مناسبات نزدیک و به هم پیوسته ای که سرمایه جهانی پدید آورده است، لاقلاً مهم ترین کشورهای جهان را ناگزیر

خواهد ساخت که برای حفظ منافع خود، جانب یکی از دو طرف درگیری را بگیرند. بدیهیست که حتا کشوری نظیر چین که بخش بزرگی از بازار ایران را به تصرف خود درآورده است و اصلی‌ترین خریدار نفت از جمهوری اسلامی نیز هست، چاره‌ای ندارد جز این که برای حفظ منافع بزرگتر خود، به نحوی با امریکا و اروپا بر سر این مسأله کنار بیاید.

اما نفت و در کنار آن پتروشیمی یک جنبه مسأله است. تحریم بانک مرکزی و بانک تجارت، سیستم مبادلات بین‌المللی جمهوری اسلامی را فلج خواهد کرد. صادرات و واردات را فلج خواهد کرد. با توجه به نقشی که دالر و یورو در مبادلات بین‌المللی دارند، نقل و انتقال ده‌ها میلیارد دالر نفتی و واردات ۶۰ میلیارد دالری عملاً ناممکن می‌گردد. در نهایت جمهوری اسلامی ناگزیر خواهد شد که به مبادلات پایاپای با چین و روسیه و چند کشور هم‌مرز، ترکیه، عراق، افغانستان و پاکستان روی آورد.

تأثیر تمام این مسایل بر وضعیت اقتصادی جامعه ایران نیز پوشیده نیست. بحران اقتصادی تشدید خواهد شد. گذشته از این که برخی پروژه‌ها در نتیجه لغو قراردادها و سرمایه‌گذاری‌ها متوقف می‌گردد، صنایع که عموماً وابسته به دالرهای نفتی و مواد خام، قطعات پیش ساخته و تکنولوژی‌های کشورهای اروپایی‌اند، با رکود عمیق‌تری روبه رو می‌شوند. فروش محصولات آن‌ها نیز با محدودیت‌های ناشی از تحریم برخورد می‌کند. از آنجائی که امروزه بخش زیادی از کالاهای مورد نیاز مردم ایران از خارج وارد می‌شود، محدودیت‌های این تحریم‌ها باعث می‌گردد که بهای کالاها افزایش یابد و بر نرخ تورم نیز افزوده گردد.

بنابراین وقتی که مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند که تحریم‌ها تأثیری بر اوضاع نخواهد داشت، فقط خود را فریب می‌دهند. حتا مردم معمولی نیز می‌دانند که این تحریم‌ها مستقیماً بر اوضاع اقتصادی تأثیر گذاشته و می‌گذارند. تحریم‌ها علاوه بر این، جمهوری اسلامی را که سالانه ده‌ها میلیارد دالر صرف هزینه دستگاه دولتی می‌کند، با یک بحران مالی روبرو خواهد ساخت. از هم اکنون کسری‌های بودجه دولت و سقوط پیاپی ارزش ریال، به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد.

مقامات جمهوری اسلامی اما به خودشان دل‌داری می‌دهند که با تحریم نفت ایران، بهای نفت در بازار جهانی افزایش خواهد یافت و از این طریق می‌توانند نتایج تحریم نفتی اتحادیه اروپا را جبران کنند.

اما در شرایطی که سراسر جهان سرمایه‌داری در یک بحران عمیق به سر می‌برد و هیچ چشم‌اندازی عاجلاً برای بهبود اوضاع اقتصادی وجود ندارد، افزایش بهای نفت خیال باطلیست. بالعکس حتا می‌تواند در نتیجه همین تحریم با فرض ثابت ماندن تولید نفت، به دو دلیل کاهش یابد.

اولاً، جمهوری اسلامی برای کاستن از بار تحریم، ناگزیر به شکستن قیمت‌های انحصاری نفت خواهد شد. یعنی برای این که بتواند نفت خود را به کشورهای دیگر بفروشد، ناگزیر است بهای آن را شدیداً کاهش دهد. این کاهش باعث خواهد شد که اعضای دیگر اوپک نیز برای حفظ بازارهای خود در کشورهای دیگر، بهای نفت را تنزل دهند.

ثانیاً، در جریان رقابتی که برای پر کردن جای جمهوری اسلامی بین کشورهای فروشنده نفت در خواهد گرفت، بهای نفت می‌تواند کاهش یابد.

بنابراین از هر جهت که به این تحریم‌ها نگاه کنیم، تأثیرات جدی بر اوضاع اقتصادی ایران و وضعیت جمهوری اسلامی بر جای می‌گذارند. جمهوری اسلامی مشکل بتواند در برابر این تحریم‌ها مقاومت کند

## ارز، تکنرخی اعلام، اما چندنرخی باقی ماند

پس از گذشت چندین هفته متوالی از صعود پیاپی بهای ارز، سکه و طلا، در هفته‌ای که گذشت مقامات اقتصادی جمهوری اسلامی بر صفحه تلویزیون ظاهر شدند تا خبر از تصمیمات جدید خود برای مهار بحران پولی و کاهش بهای ارزهای بین‌المللی دهند.

روز چهارشنبه وزیر اقتصاد و دارایی خبر از سیاست‌های جدید ارزی دولت و مقررات جدید نظام بانکی، پیرامون نرخ بهره سپرده‌ها و اعطای اعتبارات داد.

گزارش وی حاکی بود که احمدی‌نژاد از مخالفت خود با افزایش نرخ بهره سپرده‌های بانکی کوتاه آمده است و مصوبه شورای پول و اعتبار را که در غیاب وی به تصویب رسیده بود، تأیید کرده است. وزیر اقتصاد گفت: "رئیس جمهور در خصوص تصمیم اخیر شورای پول و اعتبار در زمینه افزایش سود علی‌الحساب تسهیلات به ۲۱ درصد، اعلام کرد که منعی برای اجرای آن وجود ندارد."

وی در خصوص نرخ سود سپرده‌ها افزود، این موضوع به اختیار بانک‌ها گذاشته شد، اما نباید از نرخ بهره تسهیلات بالاتر باشد. بنابراین به گفته وی سقف بهره سپرده‌های بانکی نمی‌تواند بیش از نرخ بهره تسهیلات و اوراق مشارکت باشد. نامبرده گفت که به زودی بسته سیاستی جدید پولی و ارزی کشور از سوی رئیس کل بانک مرکزی اعلام خواهد شد. وی در عین حال وضعیت ارزی جمهوری اسلامی را خوب توصیف کرد و نوسان بهای ارزها، سکه و طلا را نتیجه اخلاص‌گری دلالت‌ان ارز و تبلیغات برخی سایت‌های اینترنتی دانست که بعداً معلوم شد، مورد نظرش، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران می‌باشد.

در پی این گزارش وزیر اقتصاد، روز پنجشنبه ۶ بهمن [دلو]، رئیس کل بانک مرکزی در گفت و گو با بخش خبری شبکه یک اعلام کرد: دالر تکنرخی شد و از روز شنبه هفته آینده هر دالر ۱۲۲۶ تومان یعنی با یک افزایش صد تومانی نسبت به نرخ رسمی کنونی، تحویل داده خواهد شد.

رئیس کل بانک مرکزی در حالی از تکنرخی شدن ارز حرف می‌زند که در بازار غیر رسمی دالر بین ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ تومان خرید و فروش می‌شود. بنابراین منظور رئیس بانک مرکزی از تکنرخی شدن ارز، نرخ دولتی ارز است که از ۱۱۲۶ تومان به ۱۲۲۶ تومان افزایش یافته و تحت مقررات خاص به مؤسسات تولیدی و بازرگانی و یا افراد برای مصارف ویژه با ارائه پاسپورت در فرودگاه‌ها داده می‌شود. اما بعید به نظر می‌رسد که دولت بتواند به همین ادعای خود عمل کند. گویا تمام ذخیره ارزی دولت مبلغ ۹۰ میلیارد دالر است که تا پایان سال بخش اعظم آن بابت واردات و بدهکاری‌های کوتاه مدت و میان مدت باید خرج شود.

در شرایطی که دولت هنوز نمی‌داند در نتیجه تحریم چه بر سر درآمدهای ارزی آن خواهد آمد، بعید است که حتی بتواند جوابگوی تقاضای ارز سرمایه‌داران بخش خصوصی باشد. نتیجتاً بازار غیر رسمی و غیر دولتی ارز با نرخ‌های مخصوص خود همچنان پابرجا و رونق خواهد داشت. ارز، ظاهراً تکنرخی اعلام می‌شود، اما در عمل چندنرخی باقی می‌ماند. نرخ که دولت به سرمایه‌داران و مسافران به خارج از کشور می‌فروشد؛ نرخ که صرافان برای خرید و فروش ارز دارند و نرخ که دلالت‌ان خیابانی تعیین می‌کنند. دولت در شرایطی می‌توانست اعلام کند که ارز تکنرخی شده است که هر کس بتواند آن را به همین نرخ در بازار آزاد خریداری کند. در حالی که چنین نیست.

مسئله دیگری که این تلاش رژیم را برای کاهش بهای ارزهای معتبر بین‌المللی بی اثر خواهد ساخت حجم کلان سرمایه پولی سرگردان است که عجالتاً راهی برای افزایش و یا لااقل حفظ ارزش خود جز خرید ارزهای جهانی و

طلا و دیگر فلزات قیمتی نمی یابد. نه می‌تواند در تولید به جریان افتد و نه در بازار بی رونق خرید و فروش سهام که نتیجه رکود تولید و بحران اقتصادی‌ست و نه سپرده‌گذاری در بانک‌ها.

دولت برای جذب بخشی از این پول‌های سرگردان، نرخ بهره سپرده‌ها را نیز افزایش داده است. این سیاست در شرایطی می‌توانست تأثیرگذار باشد که دولت قادر به مهار تورم باشد. اما در حالی که بهای کالاها ساعت به ساعت بالا می‌رود و نرخ تورم بسیار با نرخ بهره سپرده‌های بانکی فاصله دارد، نه تنها منجر به جذب پول‌های سرگردان توسط بانک‌ها نخواهد شد، بلکه تنها نتیجه‌اش تشدید رکود و نیز افزایش بهای کالاها خواهد بود.

مادام که اقتصاد با بحران و رکود روبروست، مادام که سیاست‌های اقتصادی دولت که یک نمونه عملکرد آن هدفمندسازی یارانه‌هاست، رکود را عمیق‌تر و تورم را افزون‌تر می‌سازد، جمهوری اسلامی راهی برای جلوگیری از کاهش ارزش ریال و افزایش نرخ برابری ارزهای جهانی نخواهد داشت. سیاست جدید بانک مرکزی، فقط می‌تواند یک تأثیر تبلیغاتی کوتاه مدت داشته باشد. برای یک لحظه بهای ارزها و سکه‌ها را کاهش خواهد داد، اما چیزی نخواهد گذشت که بار دیگر همان روند افزایش بهای ارزها و به ویژه دالر ادامه خواهد یافت